

۱۶۳۴۹۷۱



پنجمین کنگره تاریخ اسلام

جامعه ایران در گذار از عصر ساسانی به عصر اسلامی

دکتر مراد ساسانپور

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

تهران، ۱۳۹۷



پژوهشکده تاریخ اسلام

جامعه ایران در گذار از عصر ساسانی به عصر اسلامی

تالیف: شهرزاد ساسان پور

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: تقویم

دیف انتشار: ۸۴

۵۵۰ تومان

کلیه حقوق برابر با حقوق ناشر محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رحمتان، شهرور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۰۲۱-۸۶۷۶۸۶۱ - ۳ - ۸۸۶۷۴۰۰۰

www.ptc.ac.ir

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

فروست:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

ساسان پور، شهرزاد، ۱۳۴۶.

جامعه ایران در گذار از عصر ساسانی به عصر اسلامی / شهرزاد ساسان پور.

تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، انتشارات، ۱۳۹۷.

۳۶۶ ص: جدول، نمودار.

پژوهشکده تاریخ اسلام: ۸۴.

978 - 600 - 7398 - 56 - 2

فیفا

کتابنامه

نمایه

ایران - تمدن - پیش از اسلام

اسلام - ایران - تاریخ

ایران - تاریخ - ساسانیان، ۲۲۶-۶۵۱ م.

DSR ۱۴۲/س ۲ ۱۳۹۷

۹۵۵/۰۱

۵۳۸۱۲۲۷

فهرست مطالب

۱۷	 مقدمه
۲۷	 فصل اول: تغییرات اجتماعی در اصلاحات خسرو انوشیروان تا انقراض ساسانیان
۲۷	 ۱.۱. ماهیت دولت ساسانی
۲۹	 ۲.۱. زمینه‌ها و عوامل تغییرات اجتماعی از عهد خسرو انوشیروان تا انقراض ساسانیان
۲۹	 ۱.۲.۱. اصلاحات خسرو انوشیروان
۳۰	 ۱.۱.۲.۱. اصلاحات مالیاتی (اقتصادی)
۳۱	 ۲.۱.۲.۱. اصلاحات نظامی
۳۲	 ۳.۱.۲.۱. اصلاحات اجتماعی
۳۲	 ۳.۱.۲.۱. اصلاحات قضایی و آیین دادرسی
۳۴	 ۲.۲.۱. جنبش‌ها، شورش‌ها و قیام‌ها
۳۴	 ۱.۲.۲.۱. جنبش‌های مذهبی- اجتماعی
۳۵	 ۱.۱.۲.۲.۱. مانئ
۳۶	 ۲.۱.۲.۲.۱. مزدک
۳۸	 ۲.۲.۲.۱. شورش‌ها و قیام‌های نظامی
۳۹	 ۱.۲.۲.۲.۱. شورش بهرام چوبین
۴۱	 ۲.۲.۲.۲.۱. شورش بستام (بسطام)
۴۳	 ۳.۲.۲.۲.۱. شورش شهربراز
۴۴	 ۴.۲.۲.۲.۱. قیام انوشه‌زاد

۴۵	۳.۲.۱. جنگ‌های ساسانیان و عرب‌های مسلمان
۴۸	حاصل سخن
۵۱	فصل دوم: نظام قشربندی و شکل‌گیری اقشار اجتماعی از اصلاحات انوشیروان تا انقراض ساسانیان
۵۱	۱.۲. دیدگاه‌های کلی درباره ماهیت نظام قشربندی ایران در عصر ساسانیان
۵۶	۲.۲. سیر تحول نظام قشربندی ایران در عصر ساسانیان
۵۷	۱.۲.۲. نظام قشربندی ایران در عصر ساسانیان تا سلطنت خسرو انوشیروان
۵۷	۱.۲.۲.۱. تقسیم‌بندی اقشار اجتماعی عصر ساسانی بر پایه متون مذهبی
۵۸	۲.۲.۲. تقسیم‌بندی اقشار اجتماعی عصر ساسانی براساس کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌ها
۵۹	۳.۱.۲.۲. تقسیم‌بندی اقشار اجتماعی عصر ساسانی براساس روایات منتسبه شاهان ساسانی
۶۰	۲.۲.۲. مبانی گونه‌بندی اقشار اجتماعی ایران از اصلاحات خسرو انوشیروان تا پایان عصر ساسانی (بر پایه روایات مورخان و متون اول اسلامی)
۶۳	۳.۲. شاخص‌ها و ملاک‌های قشربندی اجتماعی ایران در عصر ساسانیان
۶۷	۴.۲. زمینه‌ها و موانع تحولات اجتماعی و پشت‌نظام قشربندی ایران در عصر ساسانی
۷۵	فصل سوم: نوع‌شناسی اقشار اجتماعی ایران در عصر ساسانیان
۷۵	۱.۳. اقشار بالا و حاکم بر جامعه (فراستان)
۷۶	۱.۱.۳. اشراف
۷۶	۱.۱.۳. شاهان و شهرداران
۷۷	۲.۱.۳. واسپوهران (خاندان‌های متنفذ)
۸۰	۳.۱.۳. وزرکان (بزرگان)
۸۰	۴.۱.۳. آزادان
۸۱	۵.۱.۳. دهقانان
۸۲	۲.۱.۳. روحانیان
۸۴	۳.۱.۳. نظامیان
۸۶	۴.۱.۳. دبیران
۸۸	۱.۴.۱.۳. پزشکان
۸۹	۲.۴.۱.۳. منجمان
۸۹	۳.۴.۱.۳. خیاگران، نوازندگان و موسیقی‌دانان

۹۰	۴.۴.۱.۳. شعرا
۹۱	۵.۴.۱.۳. نقاشان
۹۱	۶.۴.۱.۳. معماران و حجاران
۹۲	۲.۳. اقشار غیر حاکم جامعه
۹۲	۱.۲.۳. اقشار شهرنشین
۹۳	۱.۱.۲.۳. بازرگانان
۹۴	۲.۱.۲.۳. پیشه‌وران و صنعتگران
۹۴	۲.۲.۳. اقشار وستایی و پایین جامعه (فروستان)
۹۵	۲.۲.۳. کشاورزان
۹۶	۳.۲.۲.۳. منداران و شبانان
۹۷	۳.۲.۲.۳. عشایر و پادرنشاه
۹۷	۴.۲.۲.۳. عوام‌الناس
۹۸	۵.۲.۲.۳. لُمرای جنگی و سارگر
۱۰۰	۳.۲.۳. اقلیت‌های دینی
	۳.۳. شکل‌گیری نیروهای جدید اجتماعی پس از اصلاحات انوشیروان و سهم آنان در چالش با حکومت
۱۰۱	ساسانی
۱۱۰	۴.۳. ویژگی‌های درونی و سبک زندگی اقشار اجتماعی
۱۱۰	۱.۴.۳. اقشار حاکم جامعه
۱۱۵	۲.۴.۳. اقشار غیر حاکم جامعه
۱۱۵	۱.۲.۴.۳. اقشار شهرنشین
۱۱۸	۲.۲.۴.۳. اقشار روستایی و فرودست جامعه
۱۲۱	۵.۳. جایگاه و موقعیت اقشار اجتماعی در عصر ساسانیان
۱۲۱	۱.۵.۳. بررسی جایگاه و موقعیت اجتماعی اقشار حاکم و ممتاز
۱۲۱	۱.۱.۵.۳. جایگاه و موقعیت سیاسی
۱۲۴	۲.۱.۵.۳. جایگاه و موقعیت اقتصادی
۱۲۶	۳.۱.۵.۳. جایگاه و شأن اجتماعی
۱۲۸	۲.۵.۳. بررسی جایگاه و موقعیت اقشار غیر حاکم و فرودست
۱۲۸	۱.۲.۵.۳. اقشار شهرنشین
۱۲۸	۱.۱.۲.۵.۳. جایگاه و موقعیت سیاسی

۱۲۹	۲.۱.۲.۵.۳ جایگاه و موقعیت اقتصادی
۱۳۱	۳.۱.۲.۵.۳ جایگاه و شأن اجتماعی
۱۳۱	۲.۲.۵.۳ اقشار روستایی و فرودست جامعه
۱۳۱	۱.۲.۲.۵.۳ جایگاه و موقعیت سیاسی
۱۳۲	۲.۲.۲.۵.۳ جایگاه و موقعیت اقتصادی
۱۳۳	۳.۲.۲.۵.۳ جایگاه و شأن اجتماعی
۱۳۵	۶.۳ پویایی درونی اقشار فرادست عصر ساسانی
۱۴۱	حاصل شده است
۱۴۵	فصل چهارم: تغییرات اجتماعی در ایران از آغاز فتوحات اسلامی تا سقوط امویان
۱۴۷	۱.۴ زمینه‌ها ووامل تغییرات اجتماعی در ایران از ورود اسلام تا انقراض امویان
۱۴۸	۱.۱.۴ ورود اسلام به ایران
۱۵۰	۲.۱.۴ تحول در ساختار سیاسی
۱۵۱	۳.۱.۴ تحول در ساختار اقتصادی
۱۶۴	۴.۱.۴ تحول در ساختار اجتماعی-اجتماعی
۱۶۵	۵.۱.۴ تحول در ساختار فرهنگی
۱۷۳	فصل پنجم: نظام قشریندی و شکل‌گیری اقشار اجتماعی در ایران از ورود اسلام تا انقراض امویان
۱۷۳	۱.۵ دیدگاه‌های کلی درباره ماهیت نظام قشریندی ایران از ورود اسلام تا پایان امویان
۱۷۸	۲.۵ شاخص‌ها و ملاک‌های قشریندی اجتماعی ایران از ورود اسلام تا پایان امویان
۱۸۵	فصل ششم: نوع‌شناسی اقشار اجتماعی در ایران از ورود اسلام تا پایان امویان
۱۸۵	۱.۶ اقشار بالا و حاکم بر جامعه (فرادستان)
۱۸۵	۱.۱.۶ اشرافیت عرب مسلمان در ایران
۱۸۷	۲.۱.۶ دهقانان
۱۸۹	۳.۱.۶ نظامیان
۱۹۰	۴.۱.۶ مرزبانان و حکم ولایات
۱۹۱	۵.۱.۶ دبیران
۱۹۲	۳.۶ اقشار غیرحاکم جامعه (فرودستان)

۱۹۳	۱.۲.۶. اقشار شهرنشین
۱۹۳	۱.۱.۲.۶. بازرگانان
۱۹۵	۲.۱.۲.۶. پیشه‌وران و صنعتگران
۱۹۶	۲.۲.۶. اقشار روستایی و پایین جامعه
۱۹۶	۱.۲.۲.۶. کشاورزان
۱۹۷	۲.۲.۲.۶. اسیران (غلام و کنیز)
۱۹۹	۳.۲.۲.۶. اقشار غیرمسلمان (ذمی)
۱۹۹	۳.۲.۲.۶. قشر بالا (موبدان)
۲۰۰	۲.۶. ۱.۲.۱. مار متوسط و فرودست ذمی
۲۰۵	۳.۶. ویژگی‌های دوری و سبک زندگی اقشار اجتماعی
۲۰۶	۱.۳.۶. اقشار حاکم جامعه
۲۰۷	۲.۳.۶. اقشار غیرحاکم جامعه
۲۰۷	۱.۲.۳.۶. اقشار شهرنشین
۲۰۸	۲.۲.۳.۶. اقشار روستایی و فرودست
۲۰۸	۳.۲.۳.۶. اقشار ذمی و غیرمسلمان
۲۱۱	۴.۶. جایگاه و موقعیت اقشار اجتماعی در عصر امویان
۲۱۱	۱.۴.۶. بررسی جایگاه و موقعیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی اقشار حاکم و ممتاز
۲۱۱	۱.۱.۴.۶. جایگاه و موقعیت سیاسی
۲۲۴	۲.۱.۴.۶. جایگاه و موقعیت اقتصادی
۲۳۱	۳.۱.۴.۶. جایگاه و شأن اجتماعی
۲۳۹	۲.۴.۶. بررسی جایگاه و موقعیت اقشار غیرحاکم و فرودست
۲۳۹	۱.۲.۴.۶. اقشار شهرنشین
۲۳۹	۱.۱.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت سیاسی
۲۴۲	۲.۱.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت اقتصادی
۲۴۸	۳.۱.۲.۴.۶. جایگاه و شأن اجتماعی
۲۵۲	۲.۲.۴.۶. اقشار روستایی و فرودست جامعه
۲۵۲	۱.۲.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت سیاسی
۲۵۳	۲.۲.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت اقتصادی
۲۵۷	۳.۲.۲.۴.۶. جایگاه و شأن اجتماعی

۲۶۱	۳.۲.۴.۶. اقشار غیرمسلمان و ذمیان
۲۶۲	۱.۳.۲.۴.۶. اقشار بالا و ممتاز
۲۶۲	۱.۱.۳.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت سیاسی
۲۶۳	۲.۱.۳.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت اقتصادی
۲۶۴	۳.۱.۳.۲.۴.۶. جایگاه و شأن اجتماعی
۲۶۷	۲.۳.۲.۴.۶. اقشار متوسط ذمی
۲۶۷	۱.۲.۳.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت سیاسی
۲۶۸	۲.۲.۳.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت اقتصادی
۲۷۰	۳.۲.۳.۲.۴.۶. جایگاه و شأن اجتماعی
۲۷۰	۳.۳.۲.۴.۶. اقشار فرودست
۲۷۰	۱.۳.۳.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت سیاسی
۲۷۱	۲.۳.۳.۲.۴.۶. جایگاه و موقعیت اقتصادی
۲۷۵	۳.۳.۳.۲.۴.۶. جایگاه و شأن اجتماعی

فصل هفتم: سیاست‌های دولتی، امور مقامات‌های اجتماعی (کشمکش‌های دولت و جامعه اموی:

۲۸۳	شورش‌ها و اصلاحات)
۲۸۳	۱.۷. شورش‌ها، جنبش‌ها و قیام‌ها
۲۸۳	۱.۱.۷. شورش‌ها و قیام‌ها با ماهیت ایرانی
۲۸۴	۱.۱.۱.۷. شورش شهرهای ایران
۲۸۹	۲.۱.۱.۷. شورش‌های ماوراءالنهر
۲۹۳	۳.۱.۱.۷. شورش‌های نومسلمانان در خراسان
۲۹۵	۲.۱.۷. قیام‌ها و شورش‌های عربی-اسلامی
۲۹۵	۱.۲.۱.۷. قیام‌های خوارج و فعالیت‌های آنان در ایران
۲۹۷	۲.۲.۱.۷. قیام‌های شیعی
۲۹۷	۱.۲.۲.۱.۷. قیام مختار
۲۹۹	۲.۲.۲.۱.۷. قیام یحیی بن زید بن علی ^(ع)
۳۰۱	۳.۲.۲.۱.۷. قیام عبدالله بن معاویه (عبدالله طاللی)
۳۰۲	۳.۲.۱.۷. قیام‌ها و شورش‌های اشرافیت عرب
۳۰۲	۱.۳.۲.۱.۷. قیام مطرف بن مغیره

۳۰۳	قیام عبدالرحمن اشعث
۳۰۴	شورش یزیدین مهلب
۳۰۵	قیام‌های مرجیان
۳۰۶	جنبش ابوالفضیلا
۳۰۷	جنبش حارث بن سریق تمیمی
۳۰۹	قیام عباسیان
۳۱۲	اصلاحات خلفا و حکام اموی
۳۱۳	اصلاحات خلفای اموی
۳۱۳	اصلاحات ولید بن عبدالملک
۳۱۴	اصلاحات عمر بن عبدالعزیز
۳۱۵	اصلاحات سیار
۳۱۵	اصلاحات مالیات و اقتصادی
۳۱۷	اصلاحات اجتماعی
۳۱۹	اصلاحات و اقدامات مأموران و حاکمان
۳۱۹	اصلاحات ضحاک بن عبدالرحمن
۳۱۹	اقدامات حجاج بن یوسف ثقفی
۳۲۰	اقدامات سعید خزینه
۳۲۰	اصلاحات نصر بن سیار
۳۲۳	نتیجه‌گیری و فرجام سخن
۳۳۱	فهرست منابع و مطالعات
۳۴۵	نمایه

مقدمه

مواجههٔ ایرانیان با تمدن جدید، بی‌علاوه بر اینکه ابعاد عینی حیات آنها را به صورت گسترده تحت تأثیر قرار داد در دهمین سال نیز تأثیرات شگرفی برجای گذارد؛ از آن جمله، در دیدگاه و نگاه آنان به تاریخ و تمدن گذشتهٔ خود، بیان از آغاز دوران جدید تاریخ خود به بازنگری در گذشته پرداختند و حوادث و وقایع تاریخی را از نو ارزیابی و سنجش کردند. در ارزیابی و سنجش جدید، بخش‌هایی از تاریخ برجسته شد و بخش‌هایی به محاق رفت؛ مسلمات و مفروضات تاریخ از اعتبار افتاد و پرسش‌های جدید مطرح شد. در پرتوی دستاورد دانش‌های نوینی مانند باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، اسطوره‌شناسی و انسان‌شناسی بسیاری از ابهامات و مجهولات گذشته از پردهٔ تاریکی به در آمد و پیش چشم علاقه‌مندان قرار گرفت. همچنین در عرصهٔ پژوهش و تحقیقات، افق‌های تازه‌ای گشوده و امیدهای بسیاری را آنگیخته شد و آثار گرانسنگی به چاپ رسید. از دل این تکاپوها بحث‌های جدیدی مطرح شد و در عرصهٔ تاریخ‌نگاری نیز کشمکش‌ها و صف‌بندی‌ها شکل گرفت.

در حقیقت، با آغاز دوران مدرنیته و طرح مباحث «جامعه‌شناسی تاریخی»، توسط پژوهشگرانی از قبیل مارکس و ویثفولگل، به ابعاد اجتماعی تاریخ توجه شد و در نتیجه، مورخان برای گذار از تواریخ سلسله‌ای به مباحث اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی روی آوردند. این موضوع میان آثار مکبوب برخی از پژوهشگران و مورخان ایرانی نیز رسوخ یافت؛^۱ مرتضی راوندی در زمینهٔ روایت زندگی مردم ایران تلاش کرد و مجموعه کتاب‌های

۱ نک: محمدعلی کاتوزیان (۱۳۷۷)، نه مقاله در جامعه‌شناسی ایران، انتشارات توس، ترجمهٔ علیرضا طبیب، تهران.

تاریخ اجتماعی ایران را پدید آورد.^۱ هر چند این مجموعه، به علت گستردگی حوزه کار، چندان جنبه تحلیلی ندارد و به صورت دایرةالمعارفی و توصیفی است، از اولین تلاش‌های پژوهشگران ایرانی در این زمینه است که به نوبه خود ستودنی است.

در این میان، میراث باستانی ایران از جمله موضوعاتی بود که از ابتدا به آن توجه شد. حسن نوستالژیکی‌ای که نخستین نویسندگان عصر جدید در آثار خود به این دوران ابراز می‌کردند توجه عموم را به خود جلب کرد و در مقابل، خواسته یا ناخواسته، نوعی حسن بیزار از دوره اسلامی به ویژه عصر فتوحات مسلمانان در ایران را برانگیخت؛ تصور می‌رفت این عصر شکوه و عظمت ایران باستان را یک‌باره درهم پیچده و قومی بیگانه و دور از فرهنگ و تمدن با بر سرزمین کهن و با فرهنگ ایران زمین مسلط ساخته است. این مناقشه چنان گرم و پرشور بود که به ارتباط میان این دو عصر کمتر توجه شد و اغلب مورخان سده چنان بزرگی میان ایران باستان و ایران عصر اسلامی کشیدند که به هیچ وجه پُرشدنی نمی‌نمود؛^۲ گو اینکه تمام میراث باستانی ایرانی در علم، سیاست، اقتصاد و فرهنگ یک‌شبه با ورود مسلمانان به ایران دود شده به هوا رفته بود. اما به تدریج که امواج متلاطم سیاست در عرصه پژوهش‌های تاریخی فرو نشست به ارتباط دوران باستانی ایران و عصر اسلامی توجه شد و چگونگی پیوند این دو عصر و نحوه گذار جامعه ایران از عصر باستان به دوران

→ تهران: نشر مرکز؛ احمد اشرف (۱۳۸۸)، *طبقات اجتماعی، دولت و ارباب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر، چاپ دوم؛ حمید عبداللهیان (۱۳۹۲) *مفهوم‌پردازی رفعت در جامعه‌شناسی تاریخی: نظام ارباب غایب در ایران*، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و علیرضا صادقی، تهران: جامعه‌شناسان؛ عباس ولی (۱۳۸۰)، *ایران پیش از سرمایه‌داری*، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز.

۱ مرتضی راوندی (۱۳۸۴)، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: امیرکبیر.

۲ نک: حسن پیرنیا (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان*، تهران: اساطیر؛ دیاکونوف (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران: علمی-فرهنگی؛ ریچارد ن. برای (۱۳۴۴)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجبینا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ رمان گیرشمن (۱۳۷۱)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی-فرهنگی؛ محمدجواد مشکور (۱۳۴۷)، *ایران در عهد باستان*، تهران: اشراقی، چاپ چهارم؛ کنستانتین اینوسترانسکف (۱۳۴۸)، *مطالعاتی درباره ساسانیان*، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران: بنگاه نشر و ترجمه؛ پیکولوسکایا و دیگران (۱۳۴۹)، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: دانشگاه تهران، جلد اول؛ محمدعلی امام شوشتری (۱۳۵۰)، *تاریخ شهریاری در شاهنشاهی ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر؛ مریم میراحمدی (۱۳۸۰)، *دین و دولت در عهد ساسانی* (۱۳۸۰)، تهران: جامی، چاپ دوم؛ آرتور کریستین سن (۱۳۱۴)، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مجتبی مینوی، تهران: کمیسیون معارف.

اسلامی، به عنوان پرسشی جدی، پیش روی مورخان و پژوهشگران قرار گرفت.^۱ نوشته حاضر کوششی از این دست و تلاشی است برای یافتن پیوستگی‌ها و گسستگی‌هایی که جامعه ایران در خلال این گذار تجربه کرده است، اما به لحاظ محدودیت‌های تحقیق، صرفاً به بُعد خاصی از جامعه ایران در دوره ساسانیان و امویان توجه شده و ناچار ابعاد بسیاری در این پژوهش ناگفته باقی مانده است.

در این میان، بررسی اجمالی آثار تاریخی دوران مورد نظر به وضوح حاکی از آن است که بسیاری از مورخان و پژوهشگران درباره سیاست و فرهنگ دوره‌های مورد نظر مطالعات و تحقیقات بسیاری ننوین کرده‌اند،^۲ با وجود این، به اوضاع اجتماعی و به‌ویژه ساختار اجتماعی آنها کمتر توجه شده است. از سوی دیگر، در زمینه ساختار اجتماعی ادوار مورد نظر نیز، توجه نویسنده این پژوهش پس از هر چیز به قشر بندی اجتماعی معطوف بوده است که اصلی‌ترین عنصر بر سازه ساختار اجتماعی است.

ذکر این نکته ضروری است که قشر بندی اجتماعی در روند گذار جامعه از «شکاف‌های اجتماعی» به «تقسیم کار اجتماعی» شکر می‌گیرد.^۳ شکاف‌های اجتماعی عامل اصلی بروز تعارض و ستیز در جوامع انسانی‌اند. در چنین تعارضات و کشمکش‌ها، گروه‌بندی‌های سفت و سخت اجتماعی شکل می‌گیرند زیرا در شرایط بحران، عدم امنیت و فقدان قدرت برتری

۱ نک: برتولد اشپولر (۱۳۶۵)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، جلد اول و دوم، تهران: علمی فرهنگی؛ ریچارد بولت (۱۳۶۴)، *گروش به اسلام در قرون نخستین*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: نشر تاریخ ایران؛ عبدالله معمري الخطیب (۱۳۷۷)، *ایران در روزگار اموی*، ترجمه محمدرضا افتخارزاده، تهران: رسالت قلم؛ دنیل دنت (بی‌تا)، *مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی؛ عبدالحسین زرین کوب (۱۳۵۵)، *دوقرن سکوت*، تهران: جاویدان، چاپ دوم، تهران: نولدکه (۱۳۸۵)، *تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب‌خویی، تهران: انجمن آثار ملی.

۲ نک: آرتور کریستینسن (۱۳۷۲)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دبی کتاب، چاپ هشتم؛ کلمان هوار (۱۳۷۵)، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم؛ مجدواد مشکور (۱۳۶۳)، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان*، تهران: دانشسرایعالی؛ عبدالحسین زرین کوب (۱۳۷۳)، *تاریخ مردم ایران قبل از اسلام*، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم؛ عبدالحسین زرین کوب (۱۳۵۳)، *تاریخ مردم ایران بعد از اسلام*، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم؛ سعید نفیسی (۱۳۴۲)، *تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان*، تهران: مؤسسه مطالعات اجتماعی؛ تورج دریایی (۱۳۸۴)، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، چاپ دوم؛ امیر اکبری (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان*، مشهد: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد با همکاری انتشارات محقق.

۳ درباره تقسیم کار اجتماعی نک: گی روشه (۱۳۶۶)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشرنی، صص

که حافظ آرامش جامعه باشد هر فرد برای تأمین امنیت خود ناگزیر است به یک گروه تکیه کند. در چنین شرایطی، هنجارهای درون گروهی تقویت و همبستگی اعضا افزایش می‌یابد، اما هنگامی که آتش بحران فرومی‌نشیند و این گروه‌ها به همکاری با یکدیگر تن در می‌دهند، به تدریج نوعی تقسیم کار اجتماعی به وجود می‌آید. گروه‌های مختلف به خاطر نیازمندی‌های کارکردی بدون نیاز به توافقات قانونی و حتی نظارت قدرت برتر و صرفاً به علت وابستگی متقابل اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌خورند؛ گو اینکه مانند قطعات از پیش ساخته نمی‌باشند، بلکه در یکدیگر چفت می‌شوند. در چنین شرایطی است که لایه‌بندی‌های اجتماعی به تدریج رُخ‌شان می‌دهد و از این لایه‌بندی‌ها قشربندی اجتماعی ایجاد می‌شود.

اگرچه قشربندی در روند گذار از شکاف‌های اجتماعی به تقسیم کار شکل می‌گیرد، اما عوامل مختلفی در شکل‌دادن ویژگی‌های یک نظام قشربندی دخالت دارد. این عوامل را می‌توان به دو دسته مادی و ذهنی تقسیم کرد. از مهم‌ترین عوامل مادی یا عینی که در شکل‌گیری نظام قشربندی مؤثرند می‌توان به عوامل اقتصادی و شرایط سیاسی حاکم بر جامعه اشاره داشت.^۱ میان متغیرهای اقتصادی، ساخت تولید و رابطه تولید از اهمیت بیشتری برخوردارند. علاوه بر این، نقش سیاست یا ساختار سیاسی نیز در شکل‌گیری ساختار قشربندی اجتماعی انکارناپذیر است، اما باید توجه داشت که رابطه پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر یک طرفه و خطی نیست، بلکه نوعی رابطه دوطرفه و دیالکتیکی بین این پدیده‌ها برقرار است و ساختار سیاسی در عین شکل‌دادن به قشربندی خود نیز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. این نکته بسیار قابل توجه است که با افزایش جمعیت جوامع، برای اینکه امکان استمرار و حیات اجتماعی یا زیست اجتماعی برجا داشته باشد، ناچارند به نوعی خود را سامان و نظام دهند؛ برای این کار از ابزارها و شیوه‌های ذهنی استفاده می‌کنند؛ ایجاد حکومت، تدوین قانون، بستن قراردادها و ...

باید توجه داشت قشربندی اجتماعی «فرآیندی برساختی» است.^۲ از اینجا نقش عوامل ذهنی برجسته‌تر می‌شود؛ با این توضیح که تفاوت‌های موجود میان اشخاص در هر جامعه‌ای،

۱. نک: ماکس وبر (۱۳۸۲)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد ندین، تهران: هرمس، صص ۲۰۷-۲۰۸ و ۲۱۲؛ هانری مندراس و ژرژ گورویچ (۲۵۳۶)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، صص ۲۸۳-۲۷۷.

۲. به اعتقاد گی روشه، تغییر در قشربندی اجتماعی درواقع نوعی تغییر ساختی است زیرا در طول زمان ایجاد شده است و موجب دگرگونی عمیق در کل سیستم جامعه می‌شود. نک: روشه، تغییرات اجتماعی، صص ۲۰-۲۲.

از مجرای باورها، سنت‌ها و هنجارهای آن جامعه گذر می‌کند و افراد از منظر ذهنیت‌های تاریخی و باورداشت گذشتگان و تجارب پیشینیان به تمایزات اشخاص می‌نگرند و در این فرآیند، گروه‌های مختلف را دسته‌بندی می‌کنند. به همین علت، قشربندی اجتماعی در جوامع مختلف متفاوت است، اگرچه در بسیاری موارد زمینه‌های مادی (از قبیل شیوه تولید، مالکیت، دارایی و ...) یکسان‌اند، اما تلقی افراد هر جامعه از این نابرابری‌ها به گونه‌ای دیگر است. در برخی از جوامع، تمایزات دینی در برخی تمایزات نژادی و در بعضی دیگر تفاوت در قدرت یا در میزان ثروت برجسته می‌شود (نمودار شماره ۱).

تصورات که انسان‌های هر جامعه از تفاوت‌های اشخاص در ذهن خود دارند، در بستر فرهنگی به مرور زمان در اثر آموزش‌ها و القاءات خانواده و اطرافیان و به تعبیر دیگر در فرآیند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. به‌طور طبیعی، تفاوت انسان‌ها با یکدیگر از لحاظ جسمی و روحی یا اخلاقی و رفتار می‌شمار است؛ اما هر جامعه‌ای به بخشی از این تفاوت‌ها بها می‌دهد، توجه افراد را به آن جلب می‌کند و بر مبنای این تفاوت‌گذاری‌ها و تمایزات پاداش‌ها و امتیازات را توزیع می‌کند و در بطن آن منزلت و جایگاه افراد تصمیم می‌گیرد.

